سندی درباره صولة الدوله قشقائی

ذرات جهان جمله به جوشند و خروشند مستان زمستان همه بیدار و بهوشند مرغ و ملخ و مور پى کار بکوشند کهسار و چمن خلعت نوروز بهوشند چون است که اندر دل ما غم بفزاید یاران همه برطرف چمن گوشه گرفتند از ساغر مى مطرب و نى توشه گرفتند با زلف سیه گردش ایام ببستند آسوده نشستند و ز مه خوشه گرفتند چون است که اندر دل ما غم بفزاید با دیدهء پر حسرت و با سینهء پر آه‏ بر جانب گلزار شدم دوش که ناگاه‏ بانگى ز مزار آید کاى مرد دل آگاه‏ بر وادى عز و شرف افراز تو خر گاه‏ زنهار که اندر دل تو غم بفزاید تلخ است اگر صبره تا ظفر آید مقصود به کام تو شود چون شکر آید مفتاح فرج باید قدرت به در آید از تخم تعب میوهء عزت ثمر آید زنهار که اندر دل تو غم بفزاید اى عالم اسرار تو دانى و گواهى‏ ما را بجز از حب وطن نیست گناهى‏ با خصم قوى پنجه و با حال تباهى‏ یارب بجز از درگه تو نیست پناهى‏ راضى مشو اندر دل ما غم بفزاید

سندى دربارهء صولة الدوله قشقائى

از میان اسناد خاندان قشقائى که دوست عزیز آقاى داریوش قشقائى براى چاپ در اختیارمان گذارنده‏اند.نامهء شعبهء کمیتهء ستار قزوین به چاپ مى‏رسد.این کمیته‏ براساس آنچه در مهر آنها دیده مى‏شود از شعب حزب اجتماعیون عامیون ایران بوده‏ است.این همان حزبى است که در مجلس دوم داراى اهمیت بسیار بود.